



ISSN: 2980-9614

Rational Explorations
Vol.4, No.2, Autumn 2025



Analysis of the moral origin of religion based on the Qur'anic and theological views of Sheikh Mufid

Mohsen Dinarvand^{*1}, Mohammad Mehdi Taqi Sobhaninia²

¹ Doctoral student of the Faculty of Islamic Ethics, Tehran University of Quran and Hadith

² Associate Professor, Department of Ethics, Qom University of Quran and Hadith, Qom, Iran

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	<i>Research on the origin of religion has always been one of the main and important issues in the field of religious studies. Philosophers and theologians have not been indifferent to this issue and have had approaches to the question of what is the origin of religion. Sheikh Mufid (AS), who is among the theologians with extraordinary expertise in the field of theology and understanding the Quran, has provided valuable answers to this question. The present study aims to examine and analyze the moral origins of religion from the perspective of this respected Imami theologian, which can therefore provide an appropriate answer to the aforementioned question.</i>
Received: 13/06/2025	
Accepted: 06/09/2025	<i>The divine nature of man, the philosophy of human creation, and the human motivation to acquire divine knowledge are among the things that Sheikh Mufid (may Allah have mercy on him) mentions as the origins of religion, which have moral foundations. Among other things that this Shiite theologian mentions as the origins of religion, we can mention divine justice and the necessity of a divine guide for man. He also discusses the moral origins of religion.</i>
	<i>The latter can be considered the most important and detailed discussion on the moral origin of religion. In this topic, the necessity of the existence of prophets and the necessity of the existence of infallible Imams (AS) are discussed separately.</i>
	Keywords <i>Origin of religion, ethics, prophecy, Quran, Sheikh Mufid</i>

***Corresponding Author: Mohsen Dinarvand**

Address: Associate Professor, Department of Ethics, Qom University of Quran and Hadith, Qom, Iran

E-mail: mohsendinarvand919@gmail.com



ISSN: 2980-9614

فصلنامه علمی کاوش های عقلی



تحلیل خاستگاه اخلاقی دین با تکیه بر آرای قرآنی و کلامی شیخ مفید(ره)

محسن دیناروند^۱، محمدتقی سبحانی نیا^۲

۱- دانشجوی دکتری مدرسی اخلاق اسلامی، دانشگاه قرآن و حدیث تهران، تهران، ایران

۲- دانشیار گروه اخلاق، دانشگاه قرآن و حدیث قم، قم، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	همواره پژوهش در باب مسئله خاستگاه دین، یکی از مسائل اصلی و مهم در حوزه دین پژوهی بوده است. فلاسفه اخلاق و متکلمین همواره نسبت به این مسئله بی تفاوت نبوده اند و برای این پرسش که خاستگاه دین چیست؟ رهیافتهایی داشته اند.
مقاله پژوهشی	شیخ مفید(ع) که از میان متکلمین دارای تبحر فوق العاده ای در حوزه علم کلام و شناخت قرآن است، پاسخ های ارزشمندی را برای این سوال ارائه نموده است. از آن جهت که در موضوعات مطرح این باب از جمله کرم و جود، فطرت، لطف، عدالت حسن و قبح عقلی و سایر مباحث وجوه مشترک فروانی را می توان یافت لذا به روشنی این مهم روشن است که بحث در باب خاستگاه دین موضوعی میان رشته ای در علوم کلام و اخلاق است.
دریافت:	پژوهش حاضر بر آن است که به بررسی و تحلیل خاستگاه اخلاقی دین از منظر این متکلم ارجمند امامیه بپردازد که در نتیجه می تواند پاسخ مناسبی به پرسش خاستگاه اخلاقی دین چیست؟ از منظر شیخ مفید(ره) ارائه نماید.
۱۴۰۴/۰۳/۲۳	فطرت الهی انسان، فلسفه ی خلقت بشر و انگیزه ی انسان برای کسب معرفت الهی از مواردی هستند که شیخ مفید(ره)، از آنان به عنوان خاستگاه های دین یاد می کند زمینه های اخلاقی دارند. از موارد دیگری که این متکلم شیعه، از آنان به عنوان خاستگاه دین نام می برد، می توان به عدل الهی و ضرورت وجود راهنمای الهی برای انسان اشاره نمود نیز به بیان خاستگاه اخلاقی دین می پردازد.
پذیرش:	که مورد اخیر را می توان مهم ترین و مفصل ترین بحث پیرامون خاستگاه اخلاقی دین برشمرد. در این موضوع به بحث ضرورت وجود پیامبران و ضرورت وجود امامان معصوم (ع) به صورت جداگانه پرداخته می شود.
۱۴۰۴/۰۶/۱۵	محقق بر آن است تا در این پژوهش به موارد ذکر شده از منظر دیدگاه کلامی شیخ مفید(ره) به تفصیل بپردازد و با توجه به قدرت و تبحر کلامی شیخ مفید(ره) توانسته است پاسخ مناسبی به پرسش مذکور را ارائه نماید.
	کلیدواژه: خاستگاه دین، اخلاق، نبوت، قرآن، شیخ مفید(ره)

۱-نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: mohsendinarvand919@gmail.com

۱- مقدمه

جامعه‌شناسان دین، فیلسوفان دین و متکلمان برای دین، تعاریف گوناگونی ذکر نموده‌اند، از آن جهت که هدف اصلی و مسئله اصلی پژوهش ما تعریف دین نیست از پرداختن به تعریف‌های مختلف از دین خودداری می‌کنیم و صرفاً به مقصود خود از دین اشاره می‌کنیم در هر حال، به طور اجمال می‌توان گفت: دین مورد نظر نگارنده عبارت است از:

«مجموعه روش ویژه‌ای برای زندگی بشر که مصلحت دنیوی انسان را در جهت کمال اخروی و حیات ابدی او برآورده می‌سازد. از این روی، لازم است شریعت، در برگرفته قوانینی باشد که به نیازهای دنیوی انسان نیز پاسخ گوید.» (طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی‌همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲ ش، چاپ دوم، ج ۲، ص ۱۳۰).

همواره در زمینه چرایی پیدایش دین و ضرورت آن سوالاتی مطرح بوده است، سوالانی نظیر اینکه آیا بشر از این نظر که دارای حیات طبیعی و غریزی است، به دین نیاز دارد؟ آیا انسان از این نظر که دارای حیات فکری و عقلی است، ضد دین است؟ آیا بشر از این نظر که زندگی فردی دارد، دین می‌خواهد؟ آیا انسان از این نظر که زندگی اجتماعی دارد، دین می‌خواهد؟ آیا بشر از این نظر که با آفریدگار خود رابطه‌ای آگاهانه و آزادانه دارد، نیازمند دین است؟ آیا انسان برای حیات دنیوی خود، به رهبری دین نیازمند است؟ آیا بشر برای حیات اخروی خود، به رهبری دین نیاز دارد؟ پژوهش در باب این مسائل را می‌توان در یک سوال طرح نمود که خاستگاه دین چیست؟ و پژوهش در این باب و یافتن پاسخی برای این مساله همواره یکی از مسائل اصلی و مهم در حوزه دین پژوهی و دغدغه اساسی دین پژوهان بوده است. در همین راستا متکلمین امامیه نیز نسبت به این مساله بی‌تفاوت نبوده‌اند و برای این پرسش که خاستگاه دین چیست؟ پاسخی را ارائه نموده‌اند بی‌شک از میان متکلمین امامیه، شیخ مفید(ره) دارای تبحر و توانایی فوق العاده‌ای در حوزه علم کلام است

و همان‌طور که مشخص و روشن است «توان علمی کم‌نظیر شیخ مفید(ره) در مباحث علم کلام، حدیث، فقه و اصول آن» (مهاجرنیا، محسن، اندیشه سیاسی متفکران اسلامی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹ ش، جلد دوم (فقه سیاسی شیعه)، ص ۳۳) و نیز اینکه «یکی از علومی که شیخ در آن یکه‌تاز میدان بوده و هیچ دانشمندی توان مناظره و مجادله با او را نداشت علم کلام بود.» (همان، ص ۲۶)؛ از این رو بررسی خاستگاه دین از منظر این متکلم ارجمند امامیه می‌تواند پاسخ مناسبی به پرسش مذکور را ارائه نماید.

۲- پیشینه پژوهش

با بررسی اسناد علمی در پایگاه‌های علمی، دریافتیم که هیچ تحقیق مستقلی درباره تحلیل خاستگاه اخلاقی دین با تکیه بر آرای قرآنی و کلامی شیخ مفید(ره) نشده است. البته درباره خاستگاه دین با نگرش کلامی تحقیقاتی مشاهده شد ولی به تحلیل آن با نگرش اخلاقی شیخ مفید(ره) پژوهشی یافت نشد.

۱- دلیل کسب توحید توسط انسان (فطرت الهی)

با دقت در آیات قرآن کریم از جمله آیه شریفه ۳۰ سوره روم «معلوم می‌شود که خداوند در هنگام خلقت، دین را جزو ذات و سرشت انسان قرار داده است و معنای آن، این است که امهات و ارکان کلی دین ریشه در خلقت و خمیره وجود آدمی دارد» (موسایی افضلی، علی، «معارف اسلامی»، قم، موسسه چاپ الهادی، ۱۳۸۱ ش، چاپ نوزدهم، ص ۸۹).

در همین مورد زراره می‌گوید:

«از امام صادق(ع) معنی آیه {فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا} (الروم / ۳۰) را پرسیدم، فرمودند: خداوند آنگاه که از آنان بر معرفت خود پیمان گرفت، توحید را در فطرت آنان قرار داد.» (همان، ص ۹۰)

«بنابراین افراد بشر از درون ذات خود به موجودی که خالق و قیوم آن هاست گرایش دارند.» (همان)

در همین باب شیخ مفید(ره) نیز با بیان نظریه شیخ صدوق(ره) که از نظر وی، فطرت الهی یکی از خاستگاه‌های دین قلمداد می‌شود، در کتاب اعتقادات شیعه به نقل از ابن بابویه چنین بیان می‌کند:

«اعتقاد ما در این باب (فطرت) این است که خدای عز و جل همه مردم را از اول یگانه پرست آفریده است؛ و این است معنی قول الهی { فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا } (الروم / ۳۰). یعنی (ای رسول از طریق دین خدا که فطرت خلق بر آن آفریده پیروی کن) و حضرت صادق × در بیان قول حق تعالی فرموده است: { مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ } (توبه / ۱۱۵). یعنی (نبوده خداوند که گمراه کند قومی را بعد از آنکه هدایتشان نمود، تا ظاهر سازد برای آنها آنچه را که باید از آنها پرهیز نمایند). آن حضرت فرمود یعنی تا پیامبرشان هر آنچه را که وسیله رضای او است و هر چیزی را که باعث خشم او است، و ایضا در معنی قول الهی: { فَالْهَمَّهَا فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا } (شمس / ۸). یعنی «در دل هر نفسی انداخته بدعملی و تقوای او را»، آن حضرت فرمود: یعنی آنکه بیان نمود برایش آن را که باید بعمل آورد و آن عملی را که بایست ترک نماید؛» (صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، «اعتقادات شیعه»، شرح شیخ مفید، ترجمه میر سید محمد علی حسینی طباطبائی یزدی، اصفهان، نشر مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه، ۱۳۹۰ ش، ص ۲۲).

از آنچه که نقل شد روشن می‌شود که بنا بر عقیده شیخ صدوق(ره) انسان مطابق آیات قرآن کریم و احادیث بر فطرت الهی آفریده شده است و از همین رو خداوند متعال اقدام به هدایت بشر می‌کند؛ که ارائه ی دین به ایشان یکی از راه‌های اصلی و ضروری این مهم محسوب می‌گردد.

روشن شد که شیخ صدوق(ره) درباره فطرت نظرش بر این است که خداوند همه خلق را بر فطرت توحید ساخته است اما معنای فطرت را روشن نکرده است.

اما شیخ مفید(ره) گوید:

«فطرت به معنای آغاز آفرینش است { الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... } (فاطر / ۱). اما اینکه امام صادق (ع) فرموده: "فَطَرَ اللَّهُ الْخَلْقَ عَلَى التَّوْحِيدِ" معنی اش این است که مردم را برای توحید آفریده، نه اینکه از ایشان توحید را اراده کرده، که اگر چنین بود، غیرموحّدی در عالم نمی بود و اینکه افراد غیرموحّد در جهان هست، دلیل آن است که خدا توحید را در آدمیان نیافریده، بلکه ایشان را آفریده، تا توحید را کسب کنند، و آن حدیث نبوی که مقبول خاصّه و عامّه است به همین معناست» (مفید، محمد بن محمد، «تَصْحِيحُ اعْتِقَادَاتِ الْإِمَامِيَّةِ»، ترجمه سیدعلی مدرسی یزدی، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۱ ش، چاپ اول، ص ۶۰).

بر اساس آنچه شیخ مفید(ره) بر آن عقیده دارد یکی از اهداف مهم و اساسی خلقت انسان کسب توحید است، لذا از نظر ایشان کسب توحید توسط انسان یکی از خاستگاه‌های دین به شمار می‌آید چرا که دین از جمله راه‌های دقیق کسب توحید به شمار می‌رود. و از آن جهت که مطابق تعالیم دینی باید همه افراد با اختیار راه درست از نادرست را تشخیص دهند و اقدام کنند و لذا اخلاق حکم می‌کند انسان‌ها در شرایط برابر ذاتی وارد این میدان شوند بنابراین اخلاق حکم می‌کند که نظام فطری مشترکی میان همه انسان‌ها وجود داشته باشد لذا شیخ مفید(ره) فطرت الهی را از خاستگاه‌های اخلاقی دین بر می‌شمارد.

۲- دلیل معرفت الهی و تکلیف انسان

شیخ مفید(ره) در حوزه معرفت الهی توسط انسان، معتقد است که این معرفت اکتسابی حاصل می‌گردد و چنین می‌گوید:

«بر این باورم که معرفت خدای تعالی اکتسابی است؛ همچنین معرفت انبیاء x به طور کلی معرفت هر آن چیزی که از حواس پنهان است اکتسابی است» (مکدرموت، مارتین، «اندیشه‌های کلامی شیخ مفید»، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ش، ص ۸۴).

و از سویی دیگر از آنجا که انسان با حواس خود و نیز با نیروی عقل به تنهایی نمی‌تواند معرفت الهی را کسب کند لذا این امر، وجود دین را ضروری می‌نمایاند. «به گفته شیخ مفید، ضرورت نیازمندی به پیامبر قطعی است، زیرا که انسان برای شناختن خداوند و اصول نخستین اخلاقی به وحی نیاز دارد.» (همان، ص ۷۹). در نظام مفید عقل برای آن است تا از آموزه‌های اساسی که از طریق وحی الهی استقرار یافته است دفاع کند، این استفاده دفاعی از عقل در سراسر کلام مفید، حتی در آنجا که وی در خصوص دقیق‌ترین نکات سخن می‌گوید، آشکار است.

مارتین مکدرموت ضمن تأکید بر اینکه شیخ مفید(ره) نظر خود را درباره اساس و مبانی خوب و بد اخلاقی بیان نکرده است، درباره نظر شیخ در این باب می‌گوید:

«این گفته وی که وحی در نخستین تعین و تکلیف اخلاقی برای فرد ضرورت دارد و استقرار تکلیف اخلاقی در جهان چنین بوده، احتمالاً بدین معنی است که هیچ فعلی به خودی خود خوب یا بد نیست ولی بیشتر از این محتمل این معنی است که عقل در تشخیص خوب از بد ضعیف است و به مدد وحی نیاز دارد. اینکه احتمال معنی دوم بیشتر است از ارجاعات پراکنده‌ای که به این موضوع شده به دست می‌آید.» (همان، ص ۸۴).

شیخ مفید(ره) انسان را از تشخیص خوب یا بد اعمال و رفتارها به صورت دقیق و روشن ضعیف بر می‌شمارد و مدعی این است که عقل بشر قدرت حل این مساله را به تنهایی و بدون کمک وحی ندارد.

اولین مسئله ای که در کلام باید به آن پرداخته شود، بحث معرفت شناسی است. مهم ترین مناظراتی که در بحث های کلامی رخ داده، حول موضوع معرفت بوده و رساله های متعددی هم در این موضوع نوشته شده است. در بین موضوعات متعددی که در بحث معرفت شناسی مطرح است، بحث منابع معرفت از اساسی ترین موضوعات است. در کلام در مجموع از چهار منبع در حوزه معرفت یاد شده است: عقل، فطرت، تجربه، وحی.

از جست و جو در آثار شیخ مفید(ره) می‌توان این نکته را دریافت که عقل در نظر شیخ مفید(ره) از جایگاه ویژه‌ای در معرفت شناسی برخوردار است. وی بر خلاف معتزله، عقل را در شناخت حقایق دین منحصر نمی‌داند؛ بلکه عقل را در علم و نتایجش به وحی نیازمند می‌بیند. وی می‌گوید: آدمی با استدلال به امور دینی نایل می‌شود، اما کیفیت استدلال بر این امور را باید از پیامبر و متون دینی بیاموزد. عبارت وی در اوایل المقالات گویای این حقیقت است: «اتفقت الامامیه علی ان العقل محتاج فی علمه و نتائجها الی السمع و انه غیر منفک عن سمع ینبه العاقل علی کیفیة الاستدلال، و انه لا بد فی اول تکلیف و ابتدائه فی العالم من رسول، و وافقهم فی ذلک اصحاب الحدیث و اجتمعت المعتزله و الخوارج و الزیدیه علی ذلک و زعموا ان العقول تعمل بمجردها من السمع و التوفیق». (ابن کثیر، البدایة و النهایة، مکتبة النصر، ریاض، ۱۹۶۶م).

عبارت «و انه غیر منفک عن سمع ینبه العاقل علی کیفیة الاستدلال» (ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، تهران، بی تا.)؛ یعنی این که خود عقل در کیفیت استدلال به تنبه و تذکر سمع نیازمند است؛ یعنی درک معارف اعتقادی و حقایق دینی زمانی با عقل استدلالی درک می‌شود که قبل از آن، عقل توسط سمع متنبه شده باشد. هرچند که خود عقل مستقلاً معقولش را درک می‌کند، اما این هرگز به معنای جدایی عقل از سمع نیست.

شیخ مفید(ره) بر این باور است که «نخستین تکلیف انسان شناختن خداست.» (مکدموت، مارتین، پیشین، ص ۸۰)؛ بنابراین روشن شد که از نظر شیخ مفید(ره) انسان به معرفت الهی نیازمند است و از آنجا که معرفت الهی اکتسابی است و حواس انسان و نیز عقل وی به لحاظ محدودیت هایی که دارا هستند از اکتساب کامل معرفت الهی محروم است، لذا برای دستیابی ایشان به معرفت الهی نیازمند وحی است و به عبارتی نیاز انسان به معرفت الهی موجب نیاز ایشان به وجود دین می‌گردد.

«شیخ مفید(ره) بر خلاف استادش معرفت فطری (اضطراری) را قبول ندارد و می گوید معرفت، عقلی و اکتسابی است. عبارت وی چنین است: «إِنَّ مَعْرِفَةَ اللَّهِ اِكْتِسَابٌ وَكَذَلِكَ مَعْرِفَةُ بَانِيَاءِهِ(ع) وَ كُلْ غَائِبٌ، وَ إِنَّهُ لَا يَجُوزُ الاَضْطِرَارُ إِلَى مَعْرِفَةِ شَيْءٍ مِمَّا ذَكَرْنَا...؛ من می گویم که شناخت خدا اکتسابی است، و چنین است شناخت پیامبرانش و هر چه غائب و نادیدنی باشد و هیچ اضطراری برای شناختن هر یک از این چیزها که یاد کردیم، نیست» (برقی، احمدبن محمدبن خالد، المحاسن، تصحیح محدث ارموی، دارالکتب الاسلامیه، بی جا، ۱۳۷۱).

۳- دلیل عدل الهی

در قرآن کریم آیات متعددی همچون آیه {إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يَضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا} (نساء / ۴) در حقیقت خدا هم وزن ذره ای ستم نمی کند و اگر [آن ذره کار] نیکی باشد دو چندان می کند و از نزد خویش پاداشی بزرگ می بخشد و {إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ} (یونس / ۴۴) خدا به هیچ وجه به مردم ستم نمی کند لیکن مردم خود بر خویشتن ستم می کنند هستند که در آن ها ظلم از طرف خداوند متعال، نفی شده است. علاوه بر نفی ظلم الهی در قرآن کریم در آیات متعدد دیگری بر عدل الهی تأکید شده است برای نمونه می توان به آیه {شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ} (آل عمران / ۱۸) خدا که همواره به عدل قیام دارد گواهی می دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشتگان [او] و دانشوران [نیز گواهی می دهند که] جز او که توانا و حکیم است هیچ معبودی نیست اشاره نمود.

شیخ مفید(ره) نیز با بهره گیری از همین آموزه های قرآنی، عدالت را از ویژگی های حتمی خداوند متعال بر می شمارد، به گونه ای که به طور واضح و صریح «مفید در سراسر کلام خود بر این اعتقاد است که خدا عادل و آدمی آزاد است.» (مکدرموت مارتین، پیشین، ص ۷۳).

شیخ مفید(ره) درباره حسابرسی در معاد می گوید:

«بر این باورم که حساب عبارت است از همراهی بنده با فرامینس که در دنیا متوجه اوست» (مفید محمدبن محمد، پیشین، ص ۶۵)

وی درباره تعریف میزان نیز چنین می گوید:

«میزان عبارت است از سنجیدن اعمال و آنچه بر اساس این اعمال مکلف مستحق می گردد.»

از آنچه شرح شد، دریافت می‌شود که شیخ مفید(ره) خداوند را عادل می‌داند و ظلم را از خداوند متعال نفی می‌کند و با اعتقاد بر وجود و حتمی بودن معاد و وجود میزان و حسابرسی اعمال انسان در معاد، بر این باور است که عدل خداوند حکم می‌کند برای انجام میزان و حسابرسی اعمال انسان بر ایشان تکالیفی را معین نماید تا بتواند بر اساس تکالیف مشخص شده در چهارچوب یک مجموعه برنامه تحت عنوان دین به حسابرسی بپردازد و این مهم را می‌توان از این تحلیل دریافت نمود که نظام هستی مبتنی بر وجود معاد لازمه اخلاقی‌اش آگاه‌سازی انسان‌ها از خوب و بد است که به اعمال خوب پاداش و اعمال بد جزا تعلق می‌گیرد؛ از این رو شیخ مفید (ره) عدل الهی را یکی از دلایل خاستگاه دین معرفی می‌کند که موضوع عدالت از سویی ماهیتی اخلاق‌بنیان دارد و از سویی با مباحث عقلانی فلسفه اخلاق پیوند خورده است. از این رو می‌توان دلیل عدل الهی را یکی از خاستگاه‌های اخلاقی دین دانست.

۴- دلیل جود و کرم (قاعده لطف)

قاعده لطف قاعده‌ای است در علم کلام به معنای لزوم انجام کاری از سوی خدا است که به سبب آن، مکلف به اطاعت نزدیک و از گناه دور می‌شود؛ بی‌آن که این لطف، تأثیری در قدرت مکلف داشته باشد و یا او را مجبور بسازد. بیشتر متکلمان معتزله و امامیه بر خلاف متکلمان اشاعره، این قاعده را پذیرفته‌اند. متکلمان امامیه از این قاعده در اثبات عقلی بسیاری از اعتقادات اسلامی مانند لزوم تشریع تکالیف دینی، لزوم ارسال پیامبران، لزوم تعیین و نصب امام و غیره بهره برده‌اند. قاعده لطف یکی از نظریه‌های کلامی می‌باشد که متکلمان بر اساس آن مواردی از جمله ضرورت ارسال رسل و وجوب امامت و ضرورت هدایت بشر به وسیله وحی را اثبات می‌کنند. کی از اصول و قواعد مهم در کلام عدلیه، قاعده لطف است که پس از قاعده حسن و قبح عقلی مهمترین قاعده کلامی به شمار می‌رود. متکلمان عدلیه بسیاری از آموزه‌ها و عقاید دینی را براساس آن اثبات کرده‌اند. وجوب تکالیف دینی، لزوم بعثت پیامبران، وجوب عصمت انبیا، وعده و وعیدهای الهی، حسن آلام ابتدایی و وجوب امامت از جمله مسائلی است که بر این قاعده استوار گردیده‌اند. شیخ مفید(ره) قاعده لطف را این چنین شرح می‌دهد:

«اللطف هو ما يقرب المكلف معه الى الطاعة و يبعد عن المعصية و لاحظ له في التمكن و لم يبلغ الاجلاء»؛ (مفید، محمد بن محمد نعمان، «النکت الاعتقادیه»، تحقیق رضا مختاری، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰).

لطف، عبارت است از آن چه که مکلف، با آن، به فرمانبری نزدیک و از گناه دور می‌شود و در اصل توان مکلف بر انجام تکلیف، مؤثر نبوده و به حد اجبار نرسیده باشد

شیخ مفید(ره) نظر شیخ صدوق(ره) در باب قاعده لطف را می‌پذیرد و البته مفهوم لطف را یک گام پیشتر می‌برد و بر همین اساس مکدرموت می‌گوید:

«ابن بابویه می‌گوید که خدا به عدل به آدمی فرمان می‌دهد ولی با چیزی بهتر از عدل، یعنی عنایت و لطف، با او رفتار می‌کند سپس حدیثی از حضرت پیغمبر(ص) نقل می‌کند که گفت: هیچ کس تنها با عمل نیک وارد بهشت نمی‌شود، بلکه با بخشایش خدا چنین می‌شود؛ شیخ مفید با این نظر موافق است و مفهوم لطف را یک گام پیشتر می‌برد. می‌گوید که مبنای همه حقوق انسان لطف و خداست، زیرا که خدا به لطف کردن نسبت به بندگان مبادرت می‌ورزد و هیچ کس نمی‌تواند چنانکه شایسته است از این بابت سپاسگزاری کند. پس همه حقوق آدمی عبارت از بخشش‌های الهی است، و لطف اساس و پایه عدل میان خدا و انسان است.» (مکدرموت، مارتین، پیشین، ص ۴۶۶)

بنا بر قاعده لطف، «لطف خداوندی اقتضا می‌کند که بر بندگان منت نهد و آنان را از گمراهی و سرگردانی، شرک، کفر و بردگی طاغوت نجات دهد و به سوی وادی نور و رحمت خویش هدایت فرماید، تا بر زندگی دنیوی انسان‌ها نیز عدل الهی سایه افکند. انسان‌ها در سایه حکومت الهی پرورش یافته و به قله‌های بلند معنوی عروج نمایند و در روی زمین در کمال خوشبختی و سعادت دنیوی، صفا و صمیمیت زندگی کنند. در این راستا خداوند متعال میزان و راهنمایی راستین که حامل پیام‌های الهی برای زندگی دنیوی و اخروی انسان‌ها هستند برگزیده و به سوی آنان فرستاده است، پیامبران الهی، بشریت را از شرک، کفر و بردگی عقیدتی نجات داده و به سوی یکتاپرستی و آزادگی هدایت نموده‌اند.» (مهاجرنیا، محسن، پیشین، ص ۴۳)

«در میان دلایلی که مفید برای تکلیف خدا آورده، عدالت، تنها به صورت گذرا ذکر شده است. در توافق با دید مکتب بغداد، مفید به جود و کرم خدا به عنوان مبنای تکلیف الهی تأکید کرده است.» (مکدرموت، مارتین، پیشین، ص ۱۰۱)

شیخ مفید(ره) «برای نشان دادن اینکه خدا به بهترین مصلحت آدمی کار می‌کند، بر آن است که شایسته‌تر برای انسان، چنان است که تکلیف بر او بار می‌شود و این فرصت برای او فراهم می‌آید که به عالی‌ترین پاداش برسد.» (همان، ص ۱۰۳)

لذا از منظر شیخ مفید(ره) لطف الهی «عاملی است که شخص را به انتخاب اطاعت برمی‌انگیزد یا این انتخاب را برای او آسان می‌کند، چون دست کم مقداری از لطف، مستقیماً از جانب خدا می‌رسد.» (همان، ص ۱۰۴).

«مفید: من می‌گویم لطفی که معتقدان به لطف، آن را واجب شمرده اند از جهت جود و کرم واجب است، نه اینکه به گمان ایشان، عدل، آن را واجب کرده باشد که اگر خدا چنین نکند ستمکار است.» (همان، ص ۱۰۵). پس مشخص گردید که از منظر اندیشیه کلامی شیخ مفید(ره) جود و کرم خداوند متعال علت قاعده لطف است و نه عدالت خداوند.

شیخ مفید در نهایت در باب بعثت پیامبران، ارسال رسولان را از طرف خدا در چهارچوب قاعده لطف بر می‌شمارد و مطرح می‌کند:

«بر این باورم که اعطاء نبوت لطفی است از خدای تعالی نسبت به کسی که خداوند او را با کرامت خود و آگاهی از خوش فرجام بودن او به سبب فراهم آوردن شرایط حکمت در او، او را به نبوت بر دیگران برتری داده است.» (مفید، محمدبن محمد نعمان، «اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات»، پیشین، ص ۵۴).

از این رو شیخ مفید(ره)، قاعده لطف را از جهت ضرورت اعطاء نبوت از سوی خدا را یکی از خاستگاه‌های دین معرفی می‌کند.

شیخ مفید(ره) بر این باور است که «امامت نیز نمونه لطف الهی است. خداوند هرگز به چیزی که بیرون از قدرت و استطاعت آفریدگانش باشد فرمان نمی‌دهد؛ هرگز خواستار آن نیست که کسی مرتکب گناه شود.»

بنا بر اعتقاد شیخ مفید(ره)، تشکیل حکومت الهی که ناشی از قاعده لطف است را فقط به پیامبران اختصاص نمی‌دهد بلکه امامان معصوم را هم بر همین اساس قاعده لطف در کنار پیامبران موظف به تشکیل حکومت می‌داند و می‌گوید:

«حکومت الهی پیامبران و امامان معصوم(ع)، تفضل و لطف است و لطف در حکمت خداوندی واجب است.» (مفید، محمدبن محمد نعمان، پیشین، ص ۶۴).

شیخ مفید(ره) می‌گوید:

«آموزه اساسی شما (اهل سنت) درباره لطف خدا موید همان خیری است که ما می‌گوییم؛ و آن را منطقاً ضروری می‌کند؛ حتی اگر دانسته شود که مقداری بی‌ایمانی از غیبت امام حاصل می‌شود و ایمان باید نتیجه آشکار بودن امام باشد.» (مکدموت، مارتین، پیشین، ص ۱۶۸).

«شیخ مفید(ره) نگرشی از امامت را عرضه می‌دارد که معتدل است ولی به صورت قطعی شیعه ۱۲ امامی است. استدلال وی بر ضرورت وجود امام مبتنی بر حکمت و عنایت و لطف الهی است.» (همان، ص ۱۷۷).

در کل می‌توان با استناد به گفته‌های شیخ مفید(ره) و بر اساس قاعده لطف چنین نتیجه گرفت که «در نظر امامیه ضرورت وجود امام در هر عصر ضرورتی مطلق است.» (همان، ص ۱۶۴).

قاعده لطف گرچه ماهیتی کلامی دارد و تحلیل متکلمان بر روش عقلایی و روایی است اما از آنجا که روند تلفیق علوم اسلامی به گونه‌ای است که بسیاری از مباحث را می‌توان از زمره علوم میان رشته‌ای برشمرد. از جمله همین قاعده لطف به جهت طرح مباحث جود و کرم که از جمله خصایص مهم اخلاقی هستند و طرح بحث حسن و قبح عقلی که این دو نیز از سرفصل‌های مهم مباحث فلسفه اخلاق است لذا می‌توان از این تحلیل به این مهم رسید که طرح بحث قاعده لطف موضوعی میان رشته‌ای بین دو علم کلام و اخلاق است بنابراین در بررسی آرای شیخ مفید(ره) در باب خاستگاه اخلاقی دین می‌توان به دلیل قاعده لطف نیز اشاره کرد که مطابق این نظریه اخلاقی بودن خدا که امری حتمی است مستلزم بعثت پیامبران و بیان شریعت در قالب دین است.

۵- دلیل ضرورت وجود راهنمای الهی (ضرورت وجود پیامبر و ضرورت وجود امام)

درباره بحث ضرورت وجود راهنما و به طور خاص ضرورت وجود پیامبران، باید گفت که «شک نیست که پیامبران برای هدایت مردم به راه راست و برای سعادت و نجات مردم و خیر و صلاح و فلاح مردم مبعوث شده‌اند» (مطهری، مرتضی، وحی و نبوت، قم، نشر حکمت، ۱۳۵۷ ش، ص ۳۶) و نیز این امر، روشن و اثبات شده است که «خود وحی از نوع هدایت است» (مطهری، مرتضی، نبوت، قم، نشر صدرا، ۱۳۸۶ ش، ص ۹۱).

از آنچه بیان گردید مشخص شد که نزول وحی بر پیامبران و ارسال رُسل از طرف خدا برای بشر برای هدایت بشر اتفاق افتاده است و این نیز روشن است که این هدایت الهی با مجموعه‌ای از معارف الهی تحت عنوان دین در اختیار بشر قرار می‌گیرد.

از همین رو به نظر می‌رسد که بحث از ضرورت وجود پیامبران نشانه‌ای از ضرورت دین است و نیز می‌توان گفت که این بحث، بیان‌گر خاستگاه دین می‌باشد.

در این باب آن چه که باید مورد اشاره قرار گیرد این است که علاوه بر وجود پیامبران به عنوان راهنما، بر اساس اعتقاد کلام امامیه، امامان جانشین پیامبران بعد از ایشان هستند. آن گونه که «در مورد مساله امامت، آنچه که در درجه اول اهمیت است مساله جانشینی پیغمبر است و در توضیح و تبیین و بیان دین، منهای وحی»؛ لذا از نظر کلام امامیه امام جانشین پیامبر است، از همین رو، بحث پیرامون ضرورت وجود امام نیز برای بیان خاستگاه دین دارای اهمیت فراوان است که به طور ضروری باید به آن پرداخت.

در ادامه به بحث ضرورت وجود پیامبران و ضرورت وجود امامان که خود نشان دهنده خاستگاه دین می‌باشند از منظر شیخ مفید(ره) پرداخته خواهد شد.

ضرورت وجود پیامبران

۱- شناخت خدا و تکلیف انسان

شیخ مفید(ره) بر این باور است که «نخستین تکلیف انسان، شناختن خداست؛ در حدیثی منسوب به امام صادق (ع) که معرفت و علم بر چهار قسم تقسیم می‌شود: شناخت خداوند، شناخت این که خداوند برای انسان چه کرده است، دانستن این که او از انسان چه می‌خواهد و دانستن اینکه انسان وظایفش را باید چگونه به انجام برساند.» (مکدرموت، مارتین، پیشین، ص ۸۰)

شیخ مفید(ره) در شرح این حدیث، چنین می‌گوید که این تقسیم، به علم و معرفتی اشاره دارد که دست یافتن به آن واجب است زیرا وظیفه بنده آن است که پروردگار خود را بشناسد و پس از آن که دانست که ساخت اوست، باید نعمت‌های او را بشناسد و چون نعمت او را شناخت، باید شکرگزار او باشد و بداند که خداوند از او در اعمالش فرمانبرداری می‌خواهد و چون تکلیف خود را در فرمانبرداری دانست، باید بداند که چه افعالی ذمه او را از دینی که نسبت به خدا دارد بری می‌کند، تا از آن راه، بندگی خود را نسبت به پروردگارش نشان دهد و شکرگزار نعمت‌های او باشد. وی در موضوع تکلیف انسان نیز بر این اعتقاد است که «چگونه این نخستین تکلیف شناخته می‌شود؟ مفید می‌گوید که انسان تنها به مدد وحی می‌تواند آن را بشناسد.» (همان، ص ۹۱)

شیخ مفید(ره) با تأکید بر اتفاق نظر امامیه، «پدید آوردن امری به نام تکلیف در جهان وجود پیامبر ضروری است.» (مفید، محمدبن محمد، پیشین ص ۴۱). از این استدلال شیخ مفید(ره) که انسان را موظف و مکلف به شناخت خدا و آشنایی با تکلیف خود در برابر خدا می‌داند و نیز این خداشناسی و شناخت تکلیف را فقط در مدد وحی منحصر می‌کند بر می‌آید که وجود پیامبران الهی برای انتقال

این وحی از خدای متعال به انسان امری ضروری است؛ از همین رو می‌توان گفت که شیخ مفید(ره) بر این باور تکیه دارد که ضرورت شناخت خدا و تکلیف انسان به ضرورت وجود پیامبران می‌انجامد و در نهایت ضرورت وجود پیامبران را نیز خاستگاه دین می‌داند.

۲- نیاز عقل به وحی

از آن جهت که عقل خود به تنهایی قادر به تشخیص خوب و بد نیست و نمی‌تواند به تنهایی صراط مستقیم را که هدایت در اوست تشخیص دهد، نیازمند به وحی است، همان طور که خداوند متعال در قرآن کریم بر این امر این چنین تأکید نموده است:

{لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ}؛ (آل عمران / ۱۶۴)

«به یقین خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.»

شیخ مفید(ره) نیز این مورد را می‌پذیرد و «هنگامی که از آغاز تعهد اخلاقی و تکالیف سخن می‌گوید، به عدم کفایت عقل، بی‌دستیار؛ و ضرورت وحی اشاره می‌کند.» (مکدرموت مارتین، پیشین، ص ۷۹) وی این پرسش که چگونه این نخستین تکلیف شناخته می‌شود؟ را مطرح می‌کند و در پاسخ می‌گوید: «انسان تنها به مدد وحی می‌تواند آن را بشناسد.» (همان، ص ۹۱)

شیخ مفید(ره)، مساله نیاز عقل به وحی را نه فقط عقیده ی خود، که اعتقاد همه امامیه بر می‌شمارد و می‌گوید:

«امامیه اتفاق نظر دارند که عقل در فرایند استدلال و نتایج آن نیازمند نقل است و از نقلی که عاقل را متوجه کیفیت استدلال می‌کند، منفک نیست؛ و نیز بر این امر اتفاق نظر دارند که برای پدید آوردن امری به نام تکلیف در جهان وجود پیامبر ضروری است.» (مفید، محمدبن محمد، پیشین، ص ۴۱) «در نظام مفید، عقل برای آن است تا از این آموزه های اساسی که از طریق وحی الهی استقرار یافته است دفاع کند، این استفاده دفاعی از عقل، در سراسر کلام مفید، حتی در آنجا که وی در خصوص دقیق ترین نکات سخن می‌گوید، آشکار است.» (مکدرموت مارتین، پیشین، ص ۸۴)

«اصل تکلیف در حقیقت لطف داخل نیست، بلکه قوام بخش موضوع لطف است؛ زیرا، اگر تکلیف نباشد، فرمان بری و گناهی هم نیست. بنابراین اگر طاعت و معصیت نباشد، نزدیک گرداندن به طاعت و دور کردن از گناه هم معنایی ندارد.

اضطرار و سلب اختیار هم از حقیقت لطف خارج است؛ زیرا، با وجود این دو، تکلیفی نیست و با نبودن تکلیف موضوع برای نزدیک گرداندن به طاعت و دور کردن از گناه، باقی نمی‌ماند.

بنابراین لطف بین دو حد، محصور است و بین آن دو پهنای گسترده‌ای است که تمام درجات و مراتب آن برای مکلفان، لطف به شمار می‌آید.» (طالقانی، نظرعلی، کاشف الاسرار، به کوشش مهدی طیب، تهران، نشر رسا، ۱۳۷۳ ش، ج ۱، ص ۵۳).

بنا به استدالی که بیان آن رفت تکالیف شرعی برای تکالیف عقلی لطف محسوب می‌شوند؛ از این رو که تکالیف شرعی لطف هستند و مکلف بدون آن نمی‌تواند عمل صحیح را انجام دهد، لذا به نظر می‌رسد که وجود دین، هم از این جهت که لطف است و هم به منظور شناخت تکلیف صحیح از ناصحیح توسط مکلف ضروری است، پس از این منظر می‌توان نیاز عقل به وحی را به عنوان یکی از خاستگاه دین برشمرد.

۳- جلوگیری و جبران شرور و آلام

«اگر عالم کنونی عالمی بود که در آن همه مردم بدون درد و رنج و در راحتی مطلق زندگی می‌کردند و خداوند متعال خلقت انسان را مانند خلقت ملائکه قرار می‌داد که خودکار خیر و نیکوکار باشند، دیگر زمینه رشد و تکامل برای روح انسانی پدیدار نمی‌شد، زیرا اگر انسان مبتلا به سختی و مصیبت نشود خوی صبوری و بردباری در او تجلی پیدا نمی‌کند. اگر انسان فقر و نیازمندی نبیند روحیه نوع دوستی و ایثار در او به منصف ظهور نمی‌رسد. بارور شدن ملکات حسنه‌ای که خداوند در سرشت انسان به ودیعه نهاده است متوقف بر وجود مصائب و ناملازمات است. این گونه است که آن گوهری که خداوند پس از خلقت آن بر ملائکه مباهات کرده و فرموده «فتبارک الله احسن الخالقین» پرورده و شکوفا می‌شود» (قدردان قراملکی، محمد حسن، خدا و مسأله شر، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۷۶).

«متکلمان اسلامی به طریق اولی قایل به جبران هستند و معتقدند که خداوند می‌بایست در مقابل این همه دردها و آلامی که متوجه انسان‌ها می‌شود، در دنیا یا آخرت به اندازه‌ای جزا و پاداش اعطا کند تا آلام جبران گردد. و از این اصل در اصطلاح کلامی به "عوض" یا "اعواض" تعبیر می‌شود» (قدردان قراملکی، محمد حسن، مقاله «مسأله شر از دیدگاه متکلمان» فصلنامه نامه مفید، شماره ۱۱). از آنجا که بسیاری از شرور و آلامی که متوجه انسان‌ها است موجب دوری او از خیرات می‌شود به نظر می‌رسد که خداوند متعال با بعثت پیامبران موجبات جبران و دوری انسان‌ها از این دسته از

شرورات و آلام را فراهم نموده است، از این رو در ادامه این بحث به ضرورت بعثت انبیاء به منظور جلوگیری و توجیه شرور و آلام می‌پردازیم.

«متکلمان نفع و فایده‌ای را که عاید انسان می‌شود صلاح می‌نامند. هرگاه این نفع و فایده افزایش یابد آن را اصلح می‌گویند.» (سید مرتضی، علی بن حسین، الذخیره فی علم الکلام، تحقیق احمد حسینی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۱۹۹).

«البته، نفع و فایده آن‌گاه مصلحت به شمار می‌رود که ضرر بیشتری را به دنبال نداشته باشد یا به از دست رفتن نفع بیشتری نیانجامد.» (حمصی، سدیدالدین محمود، المنقذ من التقليد، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۲۹۷).

شیخ مفید(ره) می‌گوید که:

«من می‌گویم که خدای تعالی برای بندگان خود، تا زمانی که مکلف هستند، هیچ کاری، جز کاری نمی‌کند که اصلح برای ایشان در دین و دنیایشان باشد. آنان را از هرچیز که برای ایشان شایسته و سودمند است محروم نمی‌سازد؛ هرکه را ثروتمند کرده، این ثروتمندی شایسته‌ترین تدبیر برای اوست، و هرکه را درویش کرده نیز چنین است و در بیماری و تندرستی نیز سخن همین‌گونه است.» (مکدرموت مارتین، پیشین، ص ۹۸).

پس می‌توان دریافت که از منظر شیخ مفید(ره) ارسال انبیاء الهی و به عبارتی دیگر خاستگاه دین این است که خداوند متعال برای مردم اصلح را می‌پسندد و لذا بر اساس همین قاعده، خداوند متعال مصلحت امت اسلامی را از طریق دین به ایشان منتقل می‌سازد و برای این مهم، همان طور که در بحث ضرورت اثبات نبوت به آن اشاره شد، وجود نبی و دین الهی از جهت آگاه نمودن مردم به مصلحت خویش ضروری است.

از نظر شیخ مفید(ره) یکی از دلایل مهم در اثبات ضرورت وجود امامان معصوم (ع) مصلحت امت اسلام بعد از پیامبر^۷ می‌باشد که از طرف خدا تشخیص داده شده است. در همین باب، شیخ مفید(ره) می‌گوید:

«امامیه اتفاق نظر دارند که ضرورتاً در هر عصری باید امامی موجود باشد تا خداوند عز و جل به سبب او، بر بندگان مکلفش احتجاج کند و با وجود او، تمام مصالح دین محقق گردد.» (مفید، محمدبن محمد نعمان، پیشین، ص ۳۹).

در جایی دیگر شیخ مفید(ره) در پاسخ به سوالی از شاگردش سید مرتضی(ره) درباره غیبت امام عصر (عج) که از وی می‌پرسد: «اگر مطابق مصلحت امت آن است که امام غایب(عج) باشد، آیا در آن

هنگام که وی ظاهر شود به زیان امت نیست؟ مفید در جواب چنین گفته است: شک نیست که در آن هنگام که خدا از روی رفتار پیروان امام پیش بینی کند که اگر غیبت امام پیش از آنچه که طول کشیده ادامه یابد و امام ظاهر نشود، این پیروان به گناه کاری خواهند پرداخت و شایسته کیفری خواهند شد که چندین بار بیش از پاداشی است که با انتظار به دست می‌آورند و این پاداش جزای این کیفر را نمی‌کند، امام را از پرده غیب بیرون خواهد آورد؛ و دور کردن کیفر از ایشان سودمندتر و متمایزتر از پاداشی است که ممکن بود در وضع پیشتر بهر «ه»ی آنان شود. به عبارت دیگر هنگامی که امام غایب است، پیروان وی فرصت آن دارند که با وفادار و مومن ماندن در اوضاع و احوال دشوار، از پاداش بیشتری برخوردار شوند، ولی زمانی خواهد آمد که خدا، با در نظر گرفتن ضعف اخلاقی آنان، خواهد دانست که دشواری، خارج از حد تحمل ایشان است و اگر امام فوری ظاهر نشود، آنان ایمان خود را از دست خواهند داد؛ در این هنگام، مصلحت آنان مقتضی است که امام ظاهر شود و پاداشی که از این پس نصیب ایشان می‌شود کمتر است ولی اطمینان بیشتری برای دریافت آن دارند.» (همان، ص ۱۶۹).

۴- دلیل شناخت قانون و شریعت

«از نظر مسلمانان قانون‌گذار نخست، پروردگار جهان است که با فرستادن کتاب کریم و یا با زبان پیام آور خود، تشریع و قانون‌گذاری کرده است.» (صبحی محمصانی، فلسفه قانون گذاری در اسلام، ترجمه اسماعیل گلستانی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۸ ش، ص ۲۱۹).

لذا «وقتی طبیعت انسانیت، اختلاف را پدید می‌آورد و باعث می‌شود که انسان از رسیدن به کمال و سعادت که لایق و مستعد رسیدن به آن است محروم شود و خودش نمی‌تواند آنچه را که فاسد کرده اصلاح کند، لاجرم اصلاح باید از جهت دیگری غیر جهت طبیعت باشد و آن منحصرأً جهت الهی خواهد بود که همان نبوت است و وحی.» (طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین، ص ۵۱).

از منظر شیخ مفید (ره) همچون سایر متکلمان مسلمان، قانون گذاری از آن خداست و به عبارت دیگر، ارائه قانون از شئون ربوبیت الهی است. هیچ‌کس حق قانون گذاری بر انسانی را ندارد، مگر آنکه خدا به او اجازه دهد. پیامبران و خاتم آنها حضرت محمد (ص) و اوصیای معصوم (ع) ایشان این وظیفه را بر عهده دارند.

بنابراین خداوند متعال برای آگاه نمودن انسان‌ها از قوانین الهی اقدام به ارسال رسل نموده است و از این باب شناخت قانون و شریعت یکی از خاستگاه‌های دین به شمار می‌رود.

شیخ مفید(ع)، بر این باور است که وجود امام معصوم (ع) برای شناخت قانون و شریعت، امری ضروری است و لذا «برهان شیخ مفید(ع) برای اثبات ضرورت وجود امام عملاً بر دو پایه بنا شده است، یکی اصل وحی شده در این خصوص که آدمی باید قانون و شریعت را بداند و از آن اطاعت کند و مقدمه دیگر مبتنی بر عقل و تجربه بر اینکه قانون و شریعت را نمی‌توان بدون حضور امام شناخت و از آن اطاعت کرد.» (همان، ص ۱۶۰)

بنا بر این استدلال، نیاز انسان به شناخت صحیح قانون و شریعت برای مکلفین پس از رحلت پیامبر(ص) و ختم نبوت تمام نشده، بلکه این مهم، ادامه دارد، از این رو شیخ مفید(ع)، وجود امامان معصومی که منصوب خداوند متعال باشند برای معرفی، شناساندن و تشریح قانون و شریعت به مکلفین را امری ضروری بیان می‌کند. بنابراین استدلال، وی، شناخت قانون و شریعت در باب ضرورت وجود امامان معصوم(ع) را یکی از خاستگاه‌های دین بر می‌شمارد.

۷-ملاحظه نهایی

همانطور که بیان شد، از نظر شیخ مفید(ره)، دین دارای خاستگاه پیدایش اخلاقی، کلامی و قرآنی است. دلایلی که شیخ مقید(ره) به عنوان خاستگاه دین بر می‌شمرد از جمله فطرت الهی انسان، عدل الهی، ضرورت بعثت پیامبران، نیاز انسان به عقل، قاعده لطف، ضرورت تشکیل حکومت و مصلحت امت اسلام همگی دارای زمینه‌ها و موضوعات و فهم اخلاقی هستند که به صورت عمیق در مباحث پژوهشی فرا اخلاقی، فلسفه اخلاق و اخلاق کاربردی دارای تحلیل هستند لذا برای فهم دقیق مباحث عقلی و روایی شیخ مفید(ره) در بحث خاستگاه دین می‌توان آن را در دایره مباحث اخلاقی جست.

۸-نتیجه

شیخ مفید(ره) که از میان متکلمین امامیه دارای تبحر و توانایی فوق العاده‌ای در حوزه علم کلام است پاسخ‌های ارزشمندی را برای این سوال که خاستگاه اخلاقی دین چیست؟ ارائه نموده است؛ که در ادامه، خاستگاه‌های دین از منظر این متکلم ارجمند بیان می‌گردد که در مجموع می‌توان همه آنها را در دایره خاستگاه اخلاقی گرد آورد.

وی فطرت الهی انسان را دلیلی برای این که خداوند متعال اقدام به هدایت بشر می‌کند، می‌داند؛ و از آن جهت که مطابق تعالیم دینی باید همه افراد با اختیار راه درست از نادرست را تشخیص دهند و اقدام کنند و لذا اخلاق حکم می‌کند انسان‌ها در شرایط برابر ذاتی وارد این میدان شوند بنابراین اخلاق حکم می‌کند که نظام فطری مشترکی میان همه انسان‌ها وجود داشته باشد لذا شیخ مفید(ره) فطرت الهی را از خاستگاه‌های اخلاقی دین بر می‌شمارد.

از نظر شیخ مفید(ره) انسان به معرفت الهی نیازمند است و از آنجا که معرفت الهی اکتسابی است و حواس انسان و نیز عقل وی به لحاظ محدودیت‌هایی که دارا هستند از اکتساب کامل معرفت الهی محروم است، لذا برای دستیابی ایشان به معرفت الهی نیازمند وحی است و به عبارتی نیاز انسان به معرفت الهی موجب نیاز ایشان به وجود دین می‌گردد.

در نظام فکری شیخ مفید(ره) خداوند را عادل معرفی شده است و ظلم را از خداوند متعال نفی می‌کند و لذا وی با اعتقاد بر وجود و حتمی بودن معاد و وجود میزان و حسابرسی اعمال انسان در معاد، بر این باور است که عدل خداوند حکم می‌کند برای انجام میزان و حسابرسی اعمال انسان بر ایشان تکالیفی را معین نماید تا بتواند بر اساس تکالیف مشخص شده در چهارچوب یک مجموعه برنامه تحت عنوان دین به حسابرسی بپردازد. از این رو شیخ مفید(ره) عدل الهی را یکی از دلایل خاستگاه دین معرفی می‌کند.

شیخ مفید(ره) شناخت خدا و تکلیف انسان، ضرورت تشکیل حکومت الهی، نیاز عقل به وحی و قاعده لطف را از دلایل ضرورت وجود پیامبران بر می‌شمارد و در ادامه همین بحث، امامان معصوم(ع) را جانشینان پیامبران معرفی می‌کند و همین مساله جانشینی پیامبران را دلیل بر ضرورت وجود امامان معصوم می‌داند. وی ضرورت وجود راهنمایان الهی از جمله پیامبران و امامان را دلیلی برای ضرورت ارائه دین از طرف خدا برای بشر محسوب کرده است و لذا بر این باور است که این ضرورت دین از جمله مهم‌ترین خاستگاه‌های اخلاقی دین محسوب می‌گردد.

شیخ مفید(ره) بر این اعتقاد است که عبادت خدا، فلسفه خلقت انسان است و لذا خداوند از باب لطفش برای انسان تکالیف و برنامه سعادتش را در قالب دین ارائه نموده است از همین رو وی فلسفه خلقت انسان که همان عبادت است را یکی از خاستگاه های دین بر می شمارد.

بنابراین می توان به این نتیجه دست یافت که دلایلی که شیخ مفید(ره) به عنوان خاستگاه دین بر می شمرد از جمله فطرت الهی انسان، عدل الهی، ضرورت بعثت پیامبران، نیاز انسان به عقل، قاعده لطف، ضرورت تشکیل حکومت و مصلحت امت اسلام همگی دارای زمینه ها و موضوعات و فهم اخلاقی هستند که به صورت عمیق در مباحث پژوهشی فرا اخلاقی، فلسفه اخلاق و اخلاق کاربردی دارای تحلیل هستند لذا برای فهم دقیق مباحث عقلی و روایی شیخ مفید(ره) در بحث خاستگاه دین می توان آن را در دایره مباحث اخلاقی جست و همه را تحت عنوان کلی خاستگاه اخلاقی دین گرد آورد. بنابراین می توان از نظر شیخ مفید(ره) اخلاق و دلایل اخلاقی را عمده خاستگاه دین بر شمرد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن کثیر، البداية والنهاية، مكتبة النصر، ریاض، ۱۹۶۶م.
۳. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، تهران، بی تا.
۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تصحیح محدث ارموی، دارالکتب الاسلامیه، بی جا، ۱۳۷۱.
۵. حمصی، سدیدالدین محمود، المنقذ من التقليد، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۲ ق.
۶. سید مرتضی، علی بن حسین، الذخيرة فی علم الکلام، تحقیق احمد حسینی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۱ ق.
۷. صبحی محمضانی، فلسفه قانون گذاری در اسلام، ترجمه اسماعیل گلستانی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۸ ش.
۸. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، اعتقادات شیعه، شرح شیخ مفید، ترجمه میر سید محمد علی حسینی طباطبائی یزدی، اصفهان، نشر مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه.
۹. طالقانی، نظر علی، کاشف الاسرار، به کوشش مهدی طیب، تهران، نشر رسا، ۱۳۷۳ ش.
۱۰. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲، چاپ دوم.
۱۱. قدردان قراملکی، محمد حسن، خدا و مسأله شر، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۷۷ ش.
۱۲. مقاله مساله شر از دیدگاه متکلمان، فصلنامه نامه مفید، شماره ۱۱.
۱۳. کوچنانی، قاسم علی، مدافع حریم تشیع (مروری بر زندگی و آثار شیخ مفید)، تهران همشهری، ۱۳۸۸ ش، چاپ اول.
۱۴. مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۶ ش، چاپ پنجم.
۱۵. نبوت، قم، نشر صدرا، ۱۳۸۶ ش.
۱۶. وحی و نبوت، قم، نشر حکمت، ۱۳۵۷ ش.
۱۷. مفید، محمد بن محمد، النکت الاعتقادیه، تحقیق رضا مختاری، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه، بی تا.
۱۸. اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، ترجمه سجاد واعظی، تهران، نشر آذینه گل مهر، ۱۳۸۸ ش.

۱۹. تصحیح اعتقادات الإمامیه، ترجمه سیدعلی مدرسی یزدی، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۱ ش، چاپ اول.

۲۰. مکدرموت، مارتین، اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ش.

۲۱. موسایی افضل، علی، معارف اسلامی، قم، موسسه چاپ الهادی، ۱۳۸۱ ش، چاپ نوزدهم.

۲۲. مهاجرنیا، محسن، اندیشه سیاسی متفکران اسلامی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹ ش، جلد دوم (فقه سیاسی شیعه)